

## دریچه

تأکید بر همکاری با روسیه
دفاع اولیور استون در ونیز
از انرژئ هسته‌ای



**همدلی** | کارگردان آمریکایی با ارائه جدیدترین مستند خود با عنوان «هسته‌ای» در جشنواره فیلم ونیز هفتاد و نهم از انرژئ هسته‌ای دفاع کرد. به نقل از ویرایتی، «هسته‌ای» یا «وکلیز» جدیدترین فیلم اولیور استون، مستندی است که در جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۲ به نمایش درآمد و بالاینکه درباره بحران زیست‌محیطی ساخته‌شده با لحنی خوش‌بینانه و غیرمعمول از استون، ساخته‌شده است.

استون در کنفرانس مطبوعاتی پیش از نخستین نمایش فیلمش گفت: باید ذهنیت ترس را از خودمان دور کنیم. من هم مثل دیگران فیلم «یک حقیقت ناخوشایند» را سال ۲۰۰۶ دیدم و واقعا ترسناک بود. مدام اخبار را می‌خواندم و می‌دیدم وضع بدتر می‌شود.

او در ادامه گفت فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و کتاب‌ها همه و همه دربراه تغییرات آب و هوایی از جنبه‌ای منفی نگاه می‌کنند و او در این فیلم بر آن بود تا با تمرکز بر عمل و با ارائه راه‌حل‌های مؤثر این موضوع را مطرح کند.

استون افزود همه این راه‌حل‌ها را در کتابی با عنوان «پندهای روشن: چگونه برخی کشورها تغییرات آب و هوایی را حل کردند و بقیه هم می‌توانند همین کار را دنبال کنند» که سال ۲۰۱۹ به قلم جاشوا اس‌گلدشتاین استاد دانشگاه آمریکایی نوشته شده، کشف کرده است. این فیلم‌ساز با تأکید بر اینکه امیدوار کننده بودن کتاب را دوست داشت، گفت: نگاهش مثبت است و به شما می‌گوید می‌توانیم در این زمینه کار کنیم و قربانی نباشیم. گلدشتاین، نویسنده کتاب، در نوشتن فیلم‌نامه این فیلم مستند با اولیور استون همکاری کرده است. در این فیلم آن‌ها تلاش دارند انرژئ هسته‌ای را از بنب هسته‌ای جدا کنند و تأکید کنند سریال‌هایی چون «چرنوبیل» موجب ترس‌افزایی ما می‌شوند و مسا را به بیراهه می‌برند. گلدشتاین هم در این نشست مطبوعاتی گفت اگر در مسیری که دهه ۱۹۷۰ داشت طی می‌شد (زمانی که تولید هسته‌ای رو به افزایش بود) مانده بودیم اکنون اقتصاد بدون کربن داشتیم و با این بحران آب و هوایی دست‌به‌گیران نبودیم. آن‌ها تأکید کردند شیرین سازی آب، سوخت‌های هوایی، جداسازی کربن از جودا، همه به انرژی و گرمسای زیادی نیاز دارند که می‌تواند با انرژی هسته‌ای تأمین شود. این سوخت پتانسیل تغییر اقتصاد جهان و جایگزین شدن با سوخت فسیلی را دارد.

در این کنفرانس استون و گلدشتاین از ابتکارهای انرژی توسط فرانسه، سوئد و کانادا تجلیل کردند و خواستار همکاری بیشتر با روسیه شدند.

استون در آخرین بخش‌های کنفرانس مطبوعاتی بر همکاری با روسیه تأکید کرد و گفت: ما باید روسیه را ترغیب کنیم. آن‌ها می‌خواهند همراهی کنند و همیشه این کار را کرده‌اند. هر چه در مورد این جنگ فکر کنید می‌بینید یک شکست است، نه فقط برای اروپا، بلکه برای جهان. بهترین چیزی که می‌تواند اتفاق بیفتد همکاری است.

استون گفت: پایان جنگ سرد لحظه زیبایی بود و همکاری روسیه و آمریکا در زمینه فضا درخشان بود. ۴۰سال این نگاه مؤثر افتاد. او افزود: با من در مورد نفرت بین این کشورها صحبت نکنید زیرا این نفرت می‌آید و می‌رود و درنهایت از بین خواهد رفت. اگر باهوش باشیم، باهم تلاش می‌کنیم

اواسط مهر سال جاری

**علی رهبری فصل هنری ترکیه را افتتاح می‌کند**

**همدلی** | ارکستر سمفونیک دولتی شهر استانبول ترکیه از علی رهبری آهنگساز و رهبر ارکستر شناخته‌شده کشورمان برای حضور در کنسرت افتتاحیه فصل هنری این مجموعه موسیقایی دعوت کرد. ارکستر سمفونیک دولتی شهر استانبول علی رهبری آهنگساز و رهبر بین‌المللی ایرانی را برای اجرای کنسرت افتتاحیه فصل هنری این شهر دعوت کرده است.به گفته رهبری این کنسرت از مهم‌ترین کنسرت‌های فصل هنری بشمار می‌آید و این هنرمند با پشتسر سه گذاشتن بیش از ۲۵سال همکاری مستمر با این مجموعه در کنسرت پیش رو حضور پیدا خواهد کرد. در این کنسرت که روز جمعه ۱۵مهرماه در مرکز فرهنگی آتاتورک و در سالن اپرای استانبول برگزار خواهد شد. آثاری از جمال رشید ری، چایکوفسکی و دژاک اجرا خواهد شد. این در حالی است که کرپل تروسو سولیت نامدار ویولن اهل روسیه به‌عنوان سولیست حضور دارد. تروسو برنده چندین مسابقه بین‌المللی ویولن بوده و با اکثر رهبران ارکسترهای جهان کنسرت داشته است. علی رهبری پیش‌ازاین نیز در روزهای اول و هفتم مهر در ۲ کنسرت مختلف به‌عنوان رهبر دائم مهمان اپرای مارینسکی سنت پترزبورگ با آثاری از جمال ارکین، ریشارد اشتراوس، کلود دبوسی و «چنین گفت زرتشت» اثر خودش روی صحنه خواهد رفت.

## فرهنگ وهنر

همايون رحيميان در گفت‌وگو با «همدلی» از تأسیس و رشد ارکستر ملی می‌گوید

# ارکستری که بعضی‌ها خرابش کردند



نحوه تدریس آقای فرهاد فخرالدینی اطلاعی ندارم اما کتاب‌هایی که با زحمت ایشان تألیف شده را مطالعه کردم.ام این کتاب‌ها از نظر موسیقی ایرانی، هارمونی و فرم موسیقی کتب ارزشمندی محسوب می‌شوند. به‌طور مثال کتاب «فرم و آفرینش» کتاب بسیار خوبی است، حتی ایشان یک کتاب هم به من اهدا کردند.بهرحال ایشان زحمت زیادی کشیده‌اند که جای تقدیر دارد. حیفا است که این‌گونه آدم‌ها بدین نحو بیرون از گود باشند. باید از وجودشان استفاده شود و از هنر، نگاه، علم و تجربیات آن‌ها بهره داری کرد. درمجموع باید بگویم که ایشان را به‌عنوان یک موسیقی‌دان خوب ایرانی قبول دارم چون واقعا هنرمند خوبی هستند. همچنین آقای فرهاد فخرالدینی، دلسوز موسیقی هستند و با تمام وجود برای موسیقی کار می‌کنند.

◀ **متأسفانه برخی از اهالی موسیقی کنستراال اعتقاد دارند که ما رهبر ارکستر به معنای واقعی نداریم. شما درباره این گزاره چه نظری دارید؟**

درست است که رهبری ارکستر یک کار تخصصی محسوب می‌شود اما گاهی موزیسین به‌صورت تخصصی ساز می‌زند و سپس تمایل پیدا می‌کند تا دروس رهبری ارکستر بخواند. البته ما در ایران، آموزش رهبری نداریم و علاقه‌مندان به رهبری می‌روند در اروپا آموزش می‌بینند ولی به نظر من یک موزیسین خوب و باتجربه می‌تواند یک رهبر خیلی خوب باشد. رهبری ارکستر در وهله اول شناخت موسیقی و تجربه زیاد را به‌عنوان اصل می‌طلبد ولی وجه تخصصی آن دادن ریتم موسیقی است که تقریبا همه آن را بلد هستند اما مشکل آن این‌بابت وجود ندارد. این‌که فرم ریتم موسیقی چگونه به ارکستر داده شود، کار چندان سختی نیست. درواقع رهبری بیشتر یک کار تجربی محسوب می‌شود. من قبول ندارم که کسی می‌گوید «فلائی نوازنده بوده و چرا کار با خودش هم رهبری کرده است.» بسیاری از موسیقی‌دانان خوب و باتجربه ما خیلی خوب می‌توانند ارکستر را هدایت و رهبری کنند. این موضوع نباید به‌عنوان نقطه‌ضعف تلقی شود. من مدام می‌شنوم که می‌گویند «آقای فخرالدینی به‌خوبی ارکستر را رهبری نمی‌کند» که این موضوع را به‌هیچ‌وجه قبول ندارم. حضور آقای فخرالدینی به‌قدری بار سنگین دارد که می‌تواند همان جلوی ارکستر را بایستد و نوازنده‌ها یا او هماهنگ شوند. این‌گونه نیست که بگویم حتما باید تکلیف خاصی رهبری وجود داشته باشد تا نوازنده‌ها بتوانند راحت کار کنند. ایشان در ارکستر ملی به‌خوبی ارکستر را رهبری می‌کرد و مسا هم خیلی راحت بودیم. باید بپذیریم که در موسیقی ما این‌ا پیچیدگی و چالش‌هایی که در موسیقی کلاسیک موجود است را ندارد. خود نوازنده‌ها خیلی راحت موسیقی را درک می‌کنند و می‌فهمند و رهبر ارکستر هم کمک می‌کند تا اجرای خوبی شکل بگیرد. رهبری، تخصص نیاز ندارد ولی اگر رهبر ارکستر، موزیسین یا آهنگساز خوبی باشد، نوازندگان می‌توانند به‌راحتی با او کار کنند. حداقل ما با آقای فخرالدینی همین‌گونه بودیم. به نظر من اگر هربرت فون کارایان (رهبر ارکستر مشهور اتریشی) هم ارکستر ملی را رهبری می‌کرد، فرقی نداشت، بالاینکه تخصصش در موسیقی کلاسیک بود اما تفاوتی حاصل نمی‌شد. اجازه دهید مثالی را مطرح کنم که می‌تواند برای خوانندگان مطلب جالب باشد. یادم که قابل‌اعتنا هستند. ایشان جزو باسابقه‌ترین مدرسان هنرستان می‌شدند و جزواتی که تألیف کردند هم موردتوجه قرار داشت. حتی در دوره‌ای که آقای فخرالدینی در هنرستان و هنرکده موسیقی ملی محصل بودند، واحدهایی برای تدریس به ایشان واگذار شده بود. البته من تحصیلاتم را در هنرستان عالی موسیقی پشت سر گذراندم و در هنرستان موسیقی ملی حضور نداشتم. آقای فخرالدینی معلم من نبودند و در هنرستان ملی تدریس می‌کردند. سبک کار من هم موسیقی کلاسیک بود و در بخش موسیقی ایرانی کار می‌کردم. من به‌صورت دقیق در مورد

می‌خواهم بگویم که هر کسی در موسیقی خودش یک کاراکتر خاص دارد. دلیلی وجود ندارد که رهبر حتما درجه‌یک باشد و الزاما درس رهبری خوانده باشد. یک موزیسین و آهنگساز خوب هم می‌تواند چنین کاری را انجام دهد و به اعتقاد من همه این موارد در آقای فخرالدینی نمود داشت. ایشان به‌راحتی روبروی می‌ایستاد و ما هم کاری نداشتیم که تکنیک ایشان چگونه است یا درست، ریتم را می‌دهند یا خیر ولی وقتی ایشان روی صحنه قرار می‌گرفت، خیال ما راحت می‌شد. من صادقانه و بدون هیچ اغراقی این مطالب را می‌گویم.

تأکید می‌کنم که شأن و کاراکتر ایشان به‌گونه‌ای بود که واقعا بایدمقابل ارکستر می‌ایستاد و رهبری ارکستر را در دست می‌گرفت. ما باید قدر این افراد را بدانیم. خیلی‌ها انتقاد می‌کردند و می‌گفتند که «آقای فخرالدینی اجازه نمی‌دهند فرد دیگری به ارکستر ملی بیاید»، درصورتی که این‌گونه نبود. آقای فخرالدینی از رهبران مختلف برای اجرا دعوت می‌کرد. ایشان برای رهبری همین ارکستر ملی از سهراب کشف، جوانی که از وین آمده بود، دعوت کرد و او در یکی، دو اجرا رهبری ارکستر را بر عهده داشت. آقای چکناریان که توسط فرهاد فخرالدینی دعوت شد و ما با ایشان هم کنسرت داشتیم. خودم هم گاهی اوقات که آقای فخرالدینی کار اداری نداشتند یا دوستانی نداشتن می‌آمدند، با ارکستر کار می‌کردم.بنابراین بار دیگر می‌توانم بگویم که این‌گونه نبود. آقای فخرالدینی می‌کنم این صحبت‌ها که ایشان ازلحاظ تکنیک رهبری، دچار نقص بودند، صحت ندارد. به نظر من آقای فرهاد فخرالدینی بهترین گزینه برای رهبری ارکستر ملی بود. البته آقای سهراب کشف و آقای چکناریان هم خوب بودند. نمی‌توان گفت آن‌ها بد هستند ولی آقای فخرالدینی بسیار خوب بودند. من برای دیگر دوستان هم احترام زیادی قائل هستم و آن‌ها را

دوست دارم ولی نوع رهبری برخی از دوستان با رهبری آقای فخرالدینی خیلی متفاوت است. کار آقای فخرالدینی خیلی پخته‌تر است و ارتباط با آن‌ها برای اجرا خیلی بهتر صورت می‌گیرد. البته اگر بخوایم کسی را برای رهبری ارکستر معرفی کنیم، می‌توانم از خودم نام ببرم چراکه خیلی راحت می‌توانم با ارکستر کار کنم چون آهنگساز هستم، فضا را می‌شناسم و فخرالدینی هم با من، خیلی راحت کار می‌کردند. آقای سهراب کشف هم همان‌طور که پیش‌تر گفتم جوانی است که کارش را تسلط دارد و می‌تواند ارکستر را رهبری کند. در مورد آقای فخرالدینی هم که به‌طور کامل توضیح دادم.

◀ **در گفت‌وگو با یکی از همکاران شما چندی پیش ایشان و جوهی را در مورد رهبری ارکستر بشمرم و اشاره کرد که «ها خیلی رهبری داشتیم که به لحاظ تکنیک خیلی خوب بود ولی مهم‌ترین ویژگی رهبری یعنی ایجاد هویت، هماهنگ کردن گروه و لیبری را نداشت. ایشان مبلغ قرارداد خود را دریافت می‌کرد و کاری نداشت که نوازنده‌ها تأمین هستند یا خیر.» آیا آقای فخرالدینی در اجرا به این نکات توجه داشتند؟**

بله. فرهاد فخرالدینی کاملاً متفاوت عمل می‌کرد. من در آخرین صحبتی که با ایشان داشتم، دلیل قطع همکاری با بنیاد رودکی را جویا شدم که گفتند «پول آهنگسازان، نت نوسان و نوازنده‌ها را ندادند و این بندگان خدا هم کلی بدهی دارند» البته من با یکی از دوستان بنیاد که جزو اعضای مدیریت هستم هم آشنایی دارم. با ایشان هم صحبت کردم که گفتند «آقای فخرالدینی معتقد است باید همه‌چیز دست خودم باشد». درصورتی‌که واقعا این‌گونه نبود. آقای فخرالدینی خودش این ارکستر را پایه‌گذاری کرده، پس باید در جریان مسائل باشد اما آن‌ها می‌توانند نباید این‌گونه باشند، درحالی‌که امکان‌پذیر نیست ایشان فقط نباید روی صحنه بایستد و ارکستر را رهبری کند و چهار آدم غریبه که هیچ اطلاعی از ارکستر ندارند، برای ارکستر ملی تصمیم بگیرند. منظور فرهاد فخرالدینی چنین چیزی بود. بنده خودم کاری هم نداشت و می‌گفت «من هستم و

آن‌ها هم باشند». اما آن‌ها می‌گفتند «نه ایشان فقط کار رهبری را انجام دهد و کاری به دیگر مسائل نداشته باشند.» که باور غلطی بود. آقای فخرالدینی هم قبول نمی‌کرد و می‌گفت «وقتی ارکستر می‌خواهد برنامه‌ای را اجرا کند، باید رهبر ارکستر بگوید چه قطعه‌ای را انتخاب کنند و بزنند و چه قطعه‌ای را نزنند». هرچند من فکر می‌کنم موضوعات دیگری هم وجود داشت. وارد این مسائل نمی‌شوم اما الان هم می‌گویم که فقط حضور آقای فخرالدینی برای ارکستر ملی خوب است.

◀ **برخی از منتقدان مسئله سن و سال را برای رهبری آقای فخرالدینی به‌عنوان یک چالش مطرح کرده بودند.**

هرچند برخی از منتقدان معتقدند سن فرهاد فخرالدینی برای رهبری ارکستر ملی بالاست ولی به‌رحال احترامش واجب است. ایشان باید بیاید و تکلیف کند که «از این رهبر دعوت کنید تا بیاید و این اجرا را به‌عهده بگیرد. دفعه بعد رهبر دیگری بیاید و در یک اجرا هم خودم رهبری می‌کنم». البته برنامه ایشان هم همین بود و می‌خواست این کار را انجام دهد. او نمی‌خواست ارکستر را متعلق به خود کند و برنامه‌های متعددی داشت که متأسفانه به‌سرانجام نرسید. فرهاد فخرالدینی بالاخره نوازنده‌های ارکستر، همکارشان بودند و ارکستر هم از آن ایشان بود. باید توجه کرد که برنامه‌ریزی ارکستر ملی مثل ارکستر سمفونیک نیست. پروگرام ارکستر سمفونیک در همه جای دنیا هست، یعنی هر بار بخواهید سمفونی پنج بته‌یون را اجرا کنید، از آمریکا تا انگلیس برای شما می‌فرستند ولی موسیقی ما پروگرام وسیعی ندارد و در تعداد معدودی خلاصه می‌شود.

آقای فخرالدینی برای این‌که مقداری تنوع در کارهایمان صورت بگیرد، از آهنگسازان خواش می‌کردند که یک قطعه قدیمی را برای ارکستر تنظیم کنند تا ما بتوانیم آن را اجرا کنیم یا تقاضا می‌کردند یک آهنگ برای ارکستر بسازند اما پول‌های آن‌ها را نمی‌دادند و آقای فخرالدینی هم گلایه کرده‌می‌گفتند «پول‌هایشان را نمی‌دهند و ما طلب زیادی داریم اما انگار نه‌انگار.» به‌رحال خدمات زیادی توسط ایشان صورت گرفت. فرهاد فخرالدینی از خواننده‌های مختلف دعوت می‌کرد و روندی مسابقه گونه شکل می‌داد و می‌گفت «کسانی که می‌خواهند خوانندگی کنند، نمونه کارشان را بدهند تا ما بشنویم. هرکدام صدای خوبی داشتند، بیاید با ارکستر بخواند.» این کار خیلی خوبی بود که توسط آقای فخرالدینی انجام شد. مثلا آقای مجتبی عسگری و جوانان دیگر آمدند که خوب هم بودند. آقای فخرالدینی بالطبع این کار را انجام داد تا بگوید خوانندگی ارکستر ملی در انحصار نیست، در اصطلاح درستی ارکستر را به روی علاقه‌مندان نبسته بودند. حتی امکان آهنگسازی برای جوانان وجود داشت.

ایشان می‌گفت «فلان جوان بیاید و آهنگسازی کند تا ببینیم کارش چطور است.» خیلی از جوانان آهنگساز هستند که اجرا هم شد. به نظر من اشتباه محض بود که این‌گونه با فرهاد فخرالدینی رفتار کردند. این آدم‌ها خیلی ناگامانه و مبتدیان‌ه و اکش نشان دادند.

◀ **پس به‌باور شما، با جعدایی استاد فخرالدینی اوضاع ارکستر ملی دیگر تعریفی نبود...**

خیر؛ زیرا ارکستر ملی اصالتی را که باید داشته باشد، به‌هیچ‌عنوان نداشت. اگر اجراهای مربوط به دوره آقای فخرالدینی را گوش دهید، متوجه تفاوت کارها می‌شوید. از چند کنسرتی که داشتیم، کدام‌یک بد بود؟ واقعا همه کارها به‌صورت درجه‌یک اجرا شدند. ما اجرایی با آقای چکناریان داشتیم که هیچ‌کس باورش نمی‌شد و می‌گفتند «این ارکستر سمفونیک است، نه ارکستر ملی!» به‌قدری خوب اجرا کردیم و کیفیت کار بالا بود که تعجب همگان را به دنبال داشت. به‌رحال ارکستر ملی، ارکستر خوبی بود اما آن را خراب کردند. بازهم تأکید می‌کنم که ارکستر ملی واقعی، ارکستری بود که آقای فخرالدینی رهبری می‌کرد.

## شهرک

یکشنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۱ ■ سال هفتم ■ شماره ۲۰۱۷

### رویداد

بهمن نامور مطلق توضیح می‌دهد
دلیل سکوت رسانه‌ای «فرهنگستان هنر» چیست؟



**همدلی** | رئیس فرهنگستان هنر بیان کرد از آنجایی که در مؤسسه صبا مشکلات ساختاری از جمله مشکلات سخت‌افزاری و استاندارد نبودن فضا را داریم، در صورت تخصیص اعتبار، مشکلات صبا را مرتفع می‌کنیم. فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از دستگاه‌های مؤثر در حوزه سیاست‌گذاری هنر کشور، دارای جایگاه حقوقی معتبر و نقش راهبردی اثرگذار در جریان‌سازی تحقیقات، سیاست‌ها و فعالیت‌های هنری کشور است؛ با وجود این گستردگی در فعالیت‌ها و رویکردهای کلان در حوزه سیاست‌گذاری و نقش راهبردی این ارگان، آن‌چنان‌که باید و شاید شاهد بازخورد رسانه‌ای

چندانی از فعالیت‌های فرهنگستان هنر نیستیم. بهممن نامور مطلق رئیس فرهنگستان هنر درباره این عدم بازخورد رسانه‌ای از فعالیت‌های فرهنگستان هنر در دوره فعلی بیان کرد: فرهنگستان‌ها به دلیل فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی که دارند، در تمامی دنیا نیز بازخورد رسانه‌ای گسترده‌ای ندارند. «فرهنگستان هنر» نیز رویداد محور نیست و قرار نیست برنامه یا رویدادی هنسری را مدیریت و برگزار کند بلکه فرهنگستان هنر باید در حوزه کلان و سیاست‌گذاری، ضعف‌های قانونی را گوشزد کند.

او همچنین گفت: در حال حاضر مأموریت‌های فرهنگستان هنر با قبل متفاوت شده است و برای رسیدن به دوران اوج فرهنگستان هنر، باید خلأهایی را که ایجاد شده بود، پر کنیم. در یک سسالی که من در این سمت هستم، هم طرح‌های کلان برای سازمان برنامه‌بودجه می‌فرستیم و هم کارهایی را برای جبران این خلأها انجام دادیم؛ برای مثال، ۵۰ پروژه پژوهشی برای الگوبردازی در فرهنگستان هنر انجام شده است. حالا که در خدمت شما هستیم، بنا داریم بیش‌ازپیش، با رسانه‌ها تعامل داشته باشیم و درصددیم «فرهنگستان» را به «فرهنگستان» برگردانیم.

نامور مطلق در پاسخ به این پرسش مهر که آیا فضای نمایشگاهی جدیدی غیر از مؤسسه صبا برای فضای نمایشگاهی فرهنگستان هنر خارج از این مرکز در نظر گرفته شده یا خیر می‌گفت: اصولا کار فرهنگستان برگزار می‌نشایگاه نیست و صبا یک مؤسسه مستقل از فرهنگستان هنر است، اما از آنجایی‌که در مؤسسه صبا مشکلات ساختاری از جمله مشکلات سخت‌افزاری و استاندارد نبودن فضا را داریم، اگر اعتبار و بودجه‌ای برای رفع مشکلات تا ما تخصیص یابند، قطعاً از آن برای رفع مشکلات صبا استفاده می‌کنیم. درواقع سعی ما بر این است که استانداردهای لازم و متناسب با هنر تجسمی کشورمان را در آن ایجاد کنیم.

او در ادامه درباره به‌سازی فضای نمایشگاهی مؤسسه فرهنگی و هنری صبا نیز توضیح داد: فضایی که ما در اختیار داریم- از جهاتی چون ارتفاع و دارا بودن سقف بلند می‌نظیر است و فضایی مطلوب برای نمایش برخی آثار را فراهم می‌کند؛ با این‌حال به‌جز بخش گالری خیال که به همین منظور ساخته شده بود، کاربری اصلی بقیه این فضا، گالری نبوده و درواقع این فضا، پارکینگی بوده که از شهرداری گرفته شده و تبدیل به فضای نمایش آثار هنری شده است. به نظر من بالاینکه کاربری اصلی این فضا چیز دیگری بوده اما توانسته مفید واقع شود. البته در دنیا هم مرسوم است که کارخانه‌های ازکارافتاده، بناهای متروک و پارکینگ‌ها برای نمایش آثار هنری و گالری استفاده می‌کنند.

ما در مؤسسه صبا دو مشکل داریم؛ نامتناسب بودن فضا و حرفه‌ای نبودن کادر که سعی می‌کنیم تا جایی که می‌توانیم هر دو را بهبود ببخسیم.

رئیس فرهنگستان هنر در پاسخ به این پرسش که عضویت فرهنگستان هنر در شورای هنر در راستای تحقق آیین‌نامه اصلاحی که از سوی رئیس‌جمهور مصوب شد، به چه دلیل است؟ گفت: این عضویت با تصویب شورای هنر هم‌زمان و حضور ما مکمل این قضیه شد، چراکه ما به‌عنوان نهاد سیاست‌گذار مطرح هستیم و باعث می‌شود از این‌پس ضمانت تصویب برای اجرا و سیاست‌گذاری داشته باشیم. اگر شورای هنر مصوب شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز معترض نباشد، این شورا سریع تصویب می‌شود و برای فرهنگستان هنر بسیار خوب خواهد شد. نامور مطلق در پایان درباره موزه هنرهای معاصر فلسطین بیان کرد: این فضاها متعلق به ما نیست بلکه برای شهرداری است و این مسئله روند فعالیت ما را کند کرده است. از سوی شهرداری حکم صریحی آمده که قصد پس گرفتن آن را دارند اما ناامید نشدیم و امیدواریم اجازه بدهند تا برنامه‌ریزی کنیم و گزاشمی از این روند ارائه دهیم. خیلی از فضاهایی که ما در اختیار داریم با این مشکلات مواجه شده‌اند.